

عصر اصلاحات

Flowers, Sarah

سرشماسه: فلورز، سارا، ۱۹۵۲ م.

عنوان و نام پدیدآور: عصر اصلاحات / سارا فلورز؛ ترجمه رضا یاسایی.

وضعیت ویراست: [ویراست ۲].

مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۱۵۹ ص: مصور.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۱-۳۴۳-۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: The Reformation, C1996.

یادداشت: چاپ ششم.

یادداشت: ویراست قبلی کتاب حاضر با عنوان «اصلاحات» با همین مترجم توسط انتشارات ققنوس در سال

۱۳۸۱ منتشر شده است.

یادداشت: واژه‌نامه.

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: تمایه.

عنوان دیگر: اصلاحات.

موضوع: اصلاح دین - ادبیات کودکان و نوجوانان

موضوع: Reformation -- Juvenile literature

موضوع: ضد اصلاح دین - ادبیات کودکان و نوجوانان

موضوع: Counter-Reformation -- Juvenile literature

موضوع: مسیحیت - تاریخ

موضوع: Church history

شناسه افزوده: یاسایی، رضا، ۱۳۴۴ - مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ الف۶۱/ص۳۰۸ BR

رده‌بندی دیویی: ۲۷۰/۶ [ج]

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۲۱۰۷۵۸

# عصر اصلاحات

(ویراست جدید)

سارا فلاورز

ترجمہ رضا یاسایی



این کتاب ترجمه‌ای است از:

**The Reformation**

Sarah Flowers

Lucent Books, 1996



**انتشارات قنوس**

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای زاندارم‌ری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

**تحریریه انتشارات قنوس**

\* \* \*

سارا فلاورز

عصر اصلاحات

(ویراست جدید)

رضا یاسایی

چاپ نهم

۶۰۰ نسخه

۱۴۰۲

چاپ رسام

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۸ - ۳۴۳ - ۳۱۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 964 - 311 - 343 - 8

[www.qoqnoos.ir](http://www.qoqnoos.ir)

Printed in Iran

۱۴۰۰۰۰ تومان

## فهرست

- پیشگفتار: از قرون وسطی تا عصر جدید ..... ۹
۱. اروپا به هنگام اصلاحات ..... ۱۳
۲. مارتین لوتر: «من از عقیده‌ام دست برنمی‌دارم» ..... ۲۷
۳. «مسئله بزرگی» پادشاه: اصلاحات در انگلستان ..... ۴۷
۴. اصلاح طلبان پروتستان می‌شوند ..... ۶۵
۵. اروپا در حال تغییر: جامعه در دوران اصلاحات ..... ۷۹
۶. جنگ‌های مذهبی و شکنجه ..... ۹۳
۷. پاسخ کاتولیک‌ها: مخالفت یا اصلاحات ..... ۱۰۹
۸. اصلاحات گسترش می‌یابد ..... ۱۲۷
- پسگفتار: چهره جدید اروپا و جهان ..... ۱۳۹
- یادداشت‌ها ..... ۱۴۵
- واژه‌نامه ..... ۱۴۹
- منابع بیشتر برای مطالعه ..... ۱۵۱
- آثار مورد استفاده ..... ۱۵۳
- نمایه ..... ۱۵۵

## رویدادهای مهم در عصر اصلاحات

۱۵۴۰	۱۵۳۰	۱۵۲۰	۱۳۷۸
تصویب می‌شود. ابیگاتیوس لویولایی فرقه بسوجیان/زوزیشتها را تأسیس می‌کند.	۱۵۲۱ شورای ورمس؛ هنری هشتم به سبب توشن رساله دفاع از آیین‌های مقدس هفتگانه در مقابل مارتین لوتر از سوی پاپ لئوی دهم لقب مدافع ایمان دریافت می‌کند.	۱۵۲۱ شورای ورمس؛ هنری هشتم به سبب توشن رساله دفاع از آیین‌های مقدس هفتگانه در مقابل مارتین لوتر از سوی پاپ لئوی دهم لقب مدافع ایمان دریافت می‌کند.	۱۴۱۷-۱۳۷۸ تعدد پاپ‌ها [شفاق کبیر] دو پاپ همزمان در رم (ایتالیا) و آوینیون (فرانسه) به قدرت می‌رسند.
۱۵۲۵ نلس مور و اسقف جان فیشر در انگلستان اعدام می‌شوند؛ فرقه اورسولینی راهبه‌ها در ایتالیا بنیان گذاشته می‌شود.	۱۵۲۴ جنبش دهقانی در آلمان.	۱۴۱۷-۱۴۱۴ شورای کستانس به تعدد پاپ‌ها پایان می‌دهد و جان ویکلیف (مرگ ۱۳۸۴) و یان هوس را محکوم می‌کند. یان هوس بر چوبه مرگ سوزانده می‌شود.	۱۴۱۷-۱۴۱۴ شورای کستانس به تعدد پاپ‌ها پایان می‌دهد و جان ویکلیف (مرگ ۱۳۸۴) و یان هوس را محکوم می‌کند. یان هوس بر چوبه مرگ سوزانده می‌شود.
۱۵۳۶ صومعه‌ها منحل می‌شوند؛ زمین‌ها تحت تصرف حکومت قرار می‌گیرند؛ اولین چاپ کتاب مبادی دین مسیحی نوشته ژان کالون منتشر می‌شود.	۱۵۲۵ فرقه کاپوچین بنا نهاده می‌شود؛ تسونگیلی از انجام مراسم عشای ربانی در زوربخ ممانعت می‌کند و نوع جدید و ساده‌شده‌ای از مراسم عبادی را با تأکید بر موعظه بنا می‌نهد.	۱۴۸۳ مارتین لوتر در دهم نوامبر به دنیا می‌آید.	۱۴۸۳ مارتین لوتر در دهم نوامبر به دنیا می‌آید.
۱۵۴۱ کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها درصدد آشنی در راتیسیون برمی‌آیند.	۱۵۲۷ هنری هشتم برای فسخ ازدواجش با کاترین آراگونی اقدام می‌کند.	۱۴۸۴ اولریش تسونگیلی در یکم ژانویه به دنیا می‌آید.	۱۴۸۴ اولریش تسونگیلی در یکم ژانویه به دنیا می‌آید.
۱۵۴۲ پاپ پاولوس سوم دادگله نفتیش عقاید را در رم بنا می‌نهد.	۱۵۲۹ شورای اسپایر؛ امرای لوتری اولین اعتراضات را به صورت گسترده آغاز می‌کنند.	۱۵۰۹ ژان کالون به دنیا می‌آید. هنری هشتم شاه انگلستان می‌شود.	۱۵۰۹ ژان کالون به دنیا می‌آید. هنری هشتم شاه انگلستان می‌شود.
۱۵۴۵-۱۵۴۳ شورای ترنت.	۱۵۳۰ فیلیپ ملانکتون اعتراف‌نامه آوگسبورگ را انتشار می‌دهد.	۱۵۱۷ لوتر با انتشار رساله ۹۵ مسئله‌ای مخالفت خود را با فروش آمرزش‌نامه اعلام می‌کند.	۱۵۱۷ لوتر با انتشار رساله ۹۵ مسئله‌ای مخالفت خود را با فروش آمرزش‌نامه اعلام می‌کند.
۱۵۴۶ لوتر از دنیا می‌رود؛ جان ناکس در اسکاتلند به شهرت می‌رسد.	۱۵۳۱ اتحادیه شمالکالدنی به وجود می‌آید؛ تسونگیلی در نبرد کاپل کشته می‌شود.	۱۵۱۸ لوتر در مقابل کاپتانوس در آوگسبورگ حاضر می‌شود.	۱۵۱۸ لوتر در مقابل کاپتانوس در آوگسبورگ حاضر می‌شود.
۱۵۴۷ اتاق آتش در فرانسه برای مجازات بدعت‌گذاران به وجود می‌آید؛ هنری هشتم از دنیا می‌رود.	۱۵۳۳ هنری با آن بولین ازدواج می‌کند و تکفیر می‌شود.	۱۵۱۹-۱۵۵۸ به پادشاهی رسیدن شارل پنجم در مقام امپراتور روم مقدس.	۱۵۱۹-۱۵۵۸ به پادشاهی رسیدن شارل پنجم در مقام امپراتور روم مقدس.
۱۵۴۷-۱۵۵۳ سلطنت ادوارد ششم در انگلستان.	۱۵۳۴ قانون جانشینی و قانون نفوق [شاه] در انگلستان.	۱۵۲۰ لوتر تکفیر می‌شود؛ جنبش آناپاپیست‌ها آغاز می‌شود.	۱۵۲۰ لوتر تکفیر می‌شود؛ جنبش آناپاپیست‌ها آغاز می‌شود.

۱۵۴۸

تمرین‌های روحی اثر لویولا (نوشته شده به سال ۱۵۲۱) منتشر می‌شود.

۱۵۵۴

حقوق مدنی کاتولیک‌ها در انگلستان تحت نظر ملکه مری مجدداً برقرار می‌شود.

۱۵۵۵

صلح آوگسبورگ امکان آزادی عبادت را برای لوتری‌ها در بعضی از ایالات آلمان و برای کاتولیک‌ها در دیگر ایالات فراهم می‌کند.

۱۵۵۶

لویولا می‌میرد.

۱۵۵۸

پروتستانیزم تحت حکومت ملکه الیزابت اول مجدداً برقرار می‌شود.

۱۶۰۳-۱۵۵۸

حکومت الیزابت اول در انگلستان.

۱۵۵۹

جان ناکس پس از تبعید در انگلستان و سوئیس به اسکاتلند باز می‌گردد.

۱۵۶۰

معاهده ادینبورگ و اعتراف نامه ایمان ناکس به تشکیل کلیسای اسکاتلند منجر می‌شود؛ ملائکتون می‌میرد.

۱۵۶۳

آیین پیوریتن در انگلستان به وجود می‌آید.

۱۵۶۴

کالون می‌میرد.

۱۵۷۲

روز سن بارتلمی؛ کشتار پروتستان‌ها در فرانسه.

۱۵۸۲

پرسای آویلاچی، عارف اسپانیایی (تولد ۱۵۱۵)، از دنیا می‌رود.

۱۵۹۳

هاتری چهارم در فرانسه اعلام می‌کند: «پاریس به یک عشای ریانی می‌لوزد» و برای به دست آوردن تاج و تخت کاتولیک می‌شود.

۱۵۹۸

فرمان نائت آزادی عبادت را در فرانسه اعطا می‌کند.

۱۶۲۰

زایران (جدایی طلبان انگلیسی) اروپا را به مقصد آمریکا ترک می‌کنند.



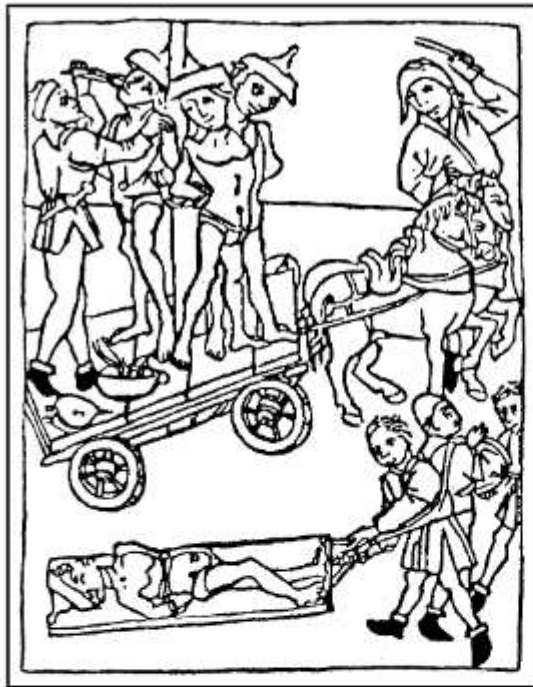


### از قرون وسطی تا عصر جدید

اروپا در سال‌های ابتدایی قرن شانزدهم شاهد تغییرات عظیمی بود. سفرهای اکتشافی در طول پنجاه سال پیش از این دوره، سرزمین‌های آفریقا و خاور دور و آمریکا را به روی تجارت اروپاییان گشوده بود. ماشین چاپ اختراع شده بود و انتشار کتاب بیشتر متداول

می‌شد. هنرمندان و اندیشمندان دورهٔ رنسانس دروازه‌های دنیای جدید زیبایی و دانش را گشوده بودند.

تحولات بنیادی در شالوده‌های کلیسای غربی، که از اوایل قرن شانزدهم شروع شده بود، به دگرگونی‌های باارزتری در تمدن اروپایی انجامید. در آن هنگام تقریباً تمامی اروپاییان مسیحی کاتولیک بودند. کلیسای کاتولیک در کانون حیات همهٔ افراد جامعه از فقیرترین دهقانان تا شاه و دربارش قرار داشت. گذشت سال براساس روزهای مقدس (اعیاد مذهبی یا تعطیلات) مشخص می‌شد. کلیسا به هنرمندان و معماران دستمزد می‌پرداخت تا آثاری برای



یک کلیشهٔ چوبی قرون وسطایی شکنجهٔ یهودیان را به تصویر کشیده است. با وجود این شکنجه‌ها، پیروان دین یهود و دیگر ادیان در طول قرون وسطی جان به در بردند. به هر حال، اکثریت اروپا پیرو کلیسای کاتولیک بودند.



از هنگامی که اروپا برای اصلاحات در کلیسای کاتولیک، که دچار سوءاستفاده‌های معنوی و دینی شده بود، اقدام کرد، قرن شانزدهم دچار اغتشاشات مذهبی و سیاسی شد. یک کلیشهٔ چوبی با عنوان «کلیسای گرفتار در دریایی از نارضایتی» دلالت بر آشوبی دارد که مشخصهٔ اصلاحات بود.

نمایش هرچه بیشتر شکوه خداوندی پدید آوردند. کاشفان و دریانوردان عصر اکتشافات برای دستیابی به طلا، کسب شهرت و خوشنودی خداوند راهی دریا می‌شدند. در واقع کلیسا عملاً در همهٔ امور مهم حرف آخر را می‌زد. حتی شاهان باید به قوانین کلیسا و دستورهای پاپ که در رأس کلیسا قرار داشت تن می‌دادند. یکی از شدیدترین مجازات‌ها تکفیر شدن بود؛ افراد پس از تکفیر از انجام دادن شعایر مذهبی و از داشتن حقوق قضایی کلیسا محروم می‌شدند. جدایی از کلیسا به معنای جدایی از تمام جامعه بود؛ بنابراین، تکفیر تهدیدی بسیار جدی به شمار می‌آمد.

البته، حتی در طول قرون وسطی، تمام اروپاییان مسیحی نبودند. ادیان یهود و اسلام، به‌رغم فشارهای تفتیش عقاید اسپانیایی و جنگ‌های صلیبی، هیچ‌گاه به‌طور کامل در اروپا محو نشدند. اما به دلیل کم‌شمار بودن تعداد پیروان یهود و اسلام در مقایسه با مسیحیان،

اروپاییان طبقه متوسط قرن پانزدهم فقط دیدگاهی سطحی و سرسری و احتمالاً تحریف شده دربارهٔ باورهای این ادیان داشت.

در سال ۱۴۹۲ میلادی فردیناند و ایزابلای اسپانیایی به تلاشی جدی دست زدند تا یهودیان اسپانیایی تبار را نفی بلد کنند یا به کیش مسیحیت درآورند. همچنین جمعیت چشمگیری از مسلمانان در اسپانیا و کشورهای شرق اروپا زندگی می‌کردند که از نظر مسیحیان وجودشان قابل تحمل نبود. در واقع، یکی از علل اتحاد مسیحیان اروپایی، از هر ملیتی، جلوگیری از گسترش اسلام به دیگر نقاط اروپا بود. هزاران مرد، زن و کودک در جنگ‌های صلیبی که از قرن یازدهم تا سیزدهم میلادی ادامه داشت شرکت کردند تا جهان را از «جنگ مسلمانان برهانند».

عصر اصلاحات نامی است که به دورهٔ پاره پاره شدن جامعهٔ مسیحیت اطلاق می‌شود. در این دوره اگرچه کلیسای کاتولیک موجودیت خود را حفظ کرد، افرادی معروف به پروتستان که خواهان اصلاحات در سازمان کلیسا بودند راه‌های جداگانه‌ای پیش گرفتند. آن‌ها انواع جدیدی از دین مسیحیت را بر اساس کتاب مقدس و زندگی و تعالیم عیسی مسیح بنیان گذاردند که با کلیسای کاتولیک و با یکدیگر، از نظر اعتقادات و اعمال دینی، تفاوت داشت.

امروزه گاهی درک این امر مشکل است که مسائلی که منجر به اصلاحات شدند تا چه حد مخرب بوده‌اند. امروزه تنوع ادیان را بیشتر مردم پذیرفته‌اند. در اکثر نقاط جهان، مردم به دلیل نظریاتی که در هنگام اصلاحات مورد بحث و جدل بود جنگ نمی‌کنند. نظریهٔ رستگاری، تعداد شعایر دینی، تفسیر قسمتی از کتاب مقدس یا این که چه کتاب‌هایی جزو کتاب مقدس‌اند، امروزه دلیلی برای مجادله محسوب نمی‌شوند. جهان امروز با جهان در اوان قرن شانزدهم بسیار متفاوت است. در آن دوره، برخی از جمله تعدادی از شاهان و شاهزادگان نظریات جدید پروتستان‌ها برایشان جالب بود، چرا که در این نظریات به جای فرمانبرداری از پاپ، اقتدار منطقه‌ای تشویق می‌شد. عده‌ای هم به شیوهٔ برخی پروتستان‌ها که بر فردگرایی و کار سخت تکیه داشتند علاقه‌مند بودند. برخی دیگر هم پاسخ سؤال‌های مربوط به رستگاری و زندگی جاودان را در پیروی از آیین پروتستان یافتند، پرسش‌هایی که به‌زعم آنان، کاتولیک‌ها قادر به پاسخ دادنشان نبودند.

در ضمن، آنچه به مثابهٔ حرکتی مذهبی آغاز شده بود، تأثیرات قابل توجه سیاسی و

اجتماعی به همراه داشت. اصلاحات اروپا را که تحت یک تفسیر از مسیحیت به اتحاد رسیده بود به قاره‌ای متشکل از ملل جداگانه، هر کدام با نام مذهبی خاص و دولت مختص به خود تبدیل کرد. کلیسای کاتولیک که مرکز آن در رُم بود، دیگر تنها شکل قابل قبول مسیحیت در اروپا نبود؛ از سوی دیگر اروپا نیز از جامعه‌ای فنودالی به جامعه‌ای بازرگانی تغییر می‌یافت. اقتصاد اروپا که قبلاً بر کار سخت روستاییان و کشاورزان استوار بود، بیشتر به پول و کالاهایی که از تجارت با نقاط دیگر دنیا حاصل می‌شد وابستگی پیدا کرد. به این ترتیب، اصلاحات بخشی جدانشدنی از تحولات وسیع‌تری بود که نشانه حرکت تمدن اروپا از قرون وسطی به دوران جدید بود.

## اروپا به هنگام اصلاحات

تا قرن شانزدهم، اکثر اروپاییان به مدت حدود دوازده قرن آشکارا از آیین مسیحیت پیروی کرده بودند. پیش از این دوران در طول سه قرن مسیحیان از ترس مجازات دولت روم در خفا به آیین خود می‌پرداختند. در سال ۳۱۳ میلادی امپراتور کنستانتین که سال قبل از آن به آیین مسیحیت درآمده بود، پیروی از این آیین را قانونی اعلام کرد. دین مسیحیت در طول قرون وسطی (حدود ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی) به سرعت در خاورمیانه و اروپا انتشار یافت، تاریخ اروپا تا حد زیادی تاریخ کلیسای کاتولیک است.

### کلیسا و دولت



امپراتور کنستانتین با قانونی اعلام کردن آیین مسیحیت در قرن چهارم باعث رواج آن شد.

در اواخر قرون وسطی هیچ کشوری، به مفهوم امروزی آن، وجود نداشت. در هر بخش اروپا گروه‌هایی از مردم که زبان واحدی داشتند در مناطق مستعی‌ای زندگی می‌کردند که مرزهای آن را ازدواج‌های سلطنتی، جنگ‌ها و تهاجم بیگانگان تعیین می‌کرد. مثلاً آلمان یک ملت مستقل نبود بلکه مجموعه‌ای از ایالات بود که بر هر یک شاه، شاهزاده، دوک یا دیگر اشراف حکمرانی می‌کردند. تمام



سرزمین‌های آلمان، به علاوه قسمت‌هایی از شرق اروپا، و بعدها اسپانیا، قسمتی از امپراتوری مقدس روم بودند؛ امپراتوری‌ای که اتحاد ناپایداری از سرزمین‌های مسیحی (و بنابراین «مقدس») به شمار می‌آمد. کلمه «روم» نشان‌دهنده ارتباط تاریخی با امپراتوری روم سزارها بود.

برخی از ولایات امپراتوری مقدس روم از دیگران قدرتمندتر بودند. فرمانرواهای این ولایات برگزیننده خواننده می‌شدند، زیرا آن‌ها

امپراتور جدید را برمی‌گزیدند. بزرگترین رقیب امپراتوری مقدس روم حکومت فرانسه بود؛ حکومتی که با قدرت در حال ظهور انگلستان رقابت می‌کرد.



دادگاه پاپ، از یک کلیشه چوبی قرن سیزدهم میلادی، در اروپای این دوران، پاپ در مسائل غیردینی هم اقتدار زیادی اعمال می‌کرد. در واقع کلیسا کانون حیات فردی و اجتماعی بود.

### کلیسا در قرون وسطی

ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن (جلد شش، اصلاح دینی) موقعیت کلیسا را در قرون وسطی توصیف می‌کند.

[کلیسا که] جای خالی حکومت امپراتوری روم را می‌گرفت و مرجع نظم و صلح دنیای مسیحیت در قرون تاریک (حدود ۵۲۴-۱۰۷۹ میلادی) می‌شد، در اوج کمال اخلاقی و ترقی خود بود. اروپا رستخیز تمدن را در مغرب‌زمین، بعد از هجوم بربرها به ایتالیا، گل (فرانسه)، بریتانیا و اسپانیا، بیش از هر سازمان و مؤسسه‌ای به کلیسا مدیون است. راهبان زمین‌های بایر را آباد می‌ساختند. صومعه‌ها به بینوایان خوراک، به کودکان تعلیم و تربیت و به مسافران و زایران جا و پناه می‌دادند. بیمارستان‌های وابسته به کلیسا تیمارگاه ناتوانان بودند. راهبه‌خانه‌ها زنان بی‌یار و همسر را به آغوش خود می‌پذیرفتند و علایق و عواطف مادرانه آن‌ها را به سوی کارهای اجتماعی سوق می‌دادند. راهبه‌ها و زنان تارک دنیا قرن‌ها یگانه معلم و مربی دختران بودند. اگر زبان‌های یونانی و لاتینی در برابر سیل جهالت و نادانی از میان نرفتند، بدان جهت بود که راهبان، در همان حال که سبب نابودی بسیاری از کتب ملل مشرک شدند، دستنویس‌های بی‌شماری را هم با نسخه‌برداری از خطر فقدان و نابودی نجات دادند و با نوشتن و خواندن یونانی و لاتینی، این دو زبان را زنده نگاه داشتند ... به مدت هزار سال ... تمام دانشوران، آموزگاران، قضات، دیپلمات‌ها و وزرای ممالک اروپای باختری پرورده مکتب کلیسا بودند؛ در قرون تاریک، دولت متکی به کلیسا بود. چون این قرون ... پایان پذیرفت، کلیسا به تأسیس دانشگاه‌ها و ساختن کلیساهای جامع به سبک گوتیک دست زد و به این طریق هم مردان علم و هم مردان خدا را زیر بال خود جای داد ... در طی نه قرن، تقریباً تمام رشته‌های هنری اروپا از کلیسا الهام می‌گرفت و از پشتیبانی مادی آن برخوردار بود...

علاوه بر همه این‌ها، کلیسا، در اوج اقتدار به کشورهای اروپایی یک قانون اخلاقی و یک حکومت بین‌المللی اعطا کرد، همان‌طور که زبان لاتینی که کلیسا در مدارس تعلیم می‌داد وسیله توحیدبخشی برای دانش‌پژوهی و تحقیق در ادبیات و علم و فلسفه ملیت‌های گوناگون بود و همچنان که آیین کاتولیک و مراسم و شعایر آن به اروپایی که هنوز به حکومت‌های ملی کوچک قسمت نشده بود وحدت دینی می‌داد، به همان طریق، کلیسای رم نیز ... خود را دادگاهی بین‌المللی قلمداد می‌کرد که همه زمامداران و دولت‌ها بایست خود را در برابر آن از نظر اخلاقی مسئول می‌دانستند.



کشیش‌ها (سمت راست) و اسقف‌ها (سمت چپ) نه تنها رهنمود معنوی می‌دادند، بلکه اغلب بر مسائل اجتماعی نظارت داشتند. مثلاً، اسقف‌ها اغلب اختلافات قضایی را حل و فصل می‌کردند.

در چنین محیط سیاسی‌ای، امتیاز کلیسا این بود که به هیچ سرزمینی محدود نمی‌شد و منحصر به هیچ کشوری نبود. پاپ که در رأس کلیسا بود، در رم زندگی می‌کرد ولی کلیسا همه جا بود. کشیش‌ها و مبلغان که نیازهای مردم هر منطقه را برآورده می‌کردند، به اسقف‌ها گزارش می‌دادند و اسقف‌ها گزارش خود را برای پاپ ارسال می‌کردند؛ نظامی ساده ولی مؤثر. از آنجا که کشیش‌ها و به‌خصوص اسقف‌ها تحصیل‌کرده‌ترین افراد هر منطقه بودند، مردم علاوه بر راهنمایی‌های معنوی برای مسائل غیرمعنوی هم به آن‌ها رو می‌آوردند. مثلاً اسقف‌ها اغلب منازعات قضایی را حل و فصل می‌کردند. چنین تمایلی به تسلیم شدن به صاحب‌نظران کلیسا در مسائل اجتماعی با نحوه عمل کلیسا در مورد اعطای مقام اسقفی به اشراف قدرتمند محلی تقویت می‌شد. این ارتباطات با نجیب‌زادگان برای کلیسا نیز مفید بود چرا که این خانواده‌های متمول اغلب قسمتی از اموال خود را برای انتصاب به مقام اسقفی در اختیار کلیسا قرار می‌دادند. همین عمل، خرید و فروش مقام‌ها در کلیسا، یکی از اشکال فساد اداری بود که پروتستان‌ها تصمیم به محو آن گرفتند.



در حدود قرن چهاردهم میلادی، کلیسا بزرگ‌ترین مالک اروپا بود و برای دخل و خرجش یک نظام پیچیده و مؤثر مالی تدارک دیده بود. در واقع کلیسا، دولت بزرگی بود که روی تمام دولت‌های کوچک‌تر محلی سایه افکنده بود. کلیسا مدارس و دانشگاه‌ها را اداره می‌کرد و اکثر هنرها را تحت تکفل داشت. علاوه بر این، کلیسا، به گفته یکی از مورخان، «خود را همچون دادگاهی بین‌المللی معرفی کرده بود که تمام حاکمان و دولت‌ها باید اخلاقاً به آن پاسخگو می‌بودند.»<sup>(۱)</sup>

## رستگاری

در قرون وسطی زندگی اکثریت اروپاییان حول محور کلیسا می‌چرخید. در دورانی که مردم به دلیل حوادث، سوء تغذیه، نبود دانش پزشکی و بیماری‌هایی چون طاعون عمر کوتاهی داشتند، مضمون رستگاری خیلی مورد توجه بود: آیا بعد از این زندگی کوتاه و احتمالاً دشوار، انسان نجات می‌یافت و برای زندگی جاودان در بهشت در کنار خداوند انتخاب می‌شد؟ این وعده مسیحیت بود، ولی همیشه سؤالاتی باقی می‌ماند: چگونه می‌توان اطمینان پیدا کرد؟ برای رسیدن به رستگاری چه باید کرد؟

کلیسا پاسخ‌های متعددی ارائه می‌داد، ولی همه به یک نتیجه می‌انجامید: از قوانین الهی اطاعت کنید. این قوانین شامل «ده فرمان» و دستورها و محدودیت‌های دیگر در کتاب مقدس بود؛ البته کلیسا به موقع قوانین و توجیهاات جدید نیز ارائه می‌کرد. کشیش‌ها وظیفه داشتند قوانین را برای مردم بیان کنند و آن‌ها را در نحوه اجرای قوانین، زندگی مسیح‌وار و رسیدن به رستگاری تعلیم دهند. توجه به این نکته مهم است که در قرن شانزدهم میلادی، توده مردم اروپایی سواد خواندن و نوشتن نداشتند - احتمالاً دو سوم آن‌ها بی‌سواد بودند. از شکل‌گیری صنعت چاپ پنجاه سال می‌گذشت ولی کتاب‌ها هنوز نایاب و خیلی گران بودند. بنابراین اکثریت آنچه مردم در مورد خدا و دین می‌دانستند، از طریق گوش سپردن به سخنان کشیش‌ها آموخته بودند. همان‌طور که فیلیپ هیوز، تاریخدان، می‌گوید: «موعظه بود که مردم را به آیین نو درآورد و تضمین فهم درست مسیحی اساساً به موعظه وابسته بود.»<sup>(۲)</sup>

## گسترش جهان

با شروع قرن شانزدهم میلادی روش‌های قدیمی رو به اضمحلال نهاد. در تمام اروپا تغییرات بزرگی جریان داشت، تغییراتی که بر کلیسا و تمام جنبه‌های دیگر زندگی تأثیر می‌گذاشت. اروپایی‌ها تا این زمان دنیا را مکان محدودی با مرکزیت دریای مدیترانه<sup>۱</sup> می‌پنداشتند. ولی در این زمان کاشفان و ماجراجویان گسترش مرزهای جهان را آغاز کرده بودند. هارولد جی. گریم تاریخدان در این مورد گفته است:

در این زمان، در طول عمر یک شخص، مثل مارتین لوتر (۱۴۸۳-۱۵۴۶)، دریانوردان

اروپایی باکشتی آفریقا را دور زدند و به هند و شرق دور دست یافتند. دو قاره بزرگ آمریکای شمالی و جنوبی را کشف کردند و با سواحل آن از تنگه ماژلان تا لابرادور در شرق و تا دماغه مندوسینو در غرب آشنا شدند؛ دور کره زمین را پیمودند و ثابت کردند که زمین گرد است و راه مستقیمی برای تجارت با اهالی شرق دور و دنیای جدید یافتند. (۳)



گسترش جهان تأثیرات بسیاری داشت. مردم بار دیگر موقعیت خود را در جهان و در نتیجه رابطه خود را با خدا ارزیابی کردند. همچنین افزایش تقاضا برای تجارت کالاهای خارجی به تشکیل یک سازمان عالی و بانکداری در تمام اروپا کمک کرد و این به رشد شهرها و شکل‌گیری طبقه جدید بازرگانان منجر شد.

با شروع قرون پانزدهم و شانزدهم گروهی از ماجراجویان به جستجوی جهان برخاستند. در این جا کریستف کلمب پا به دنیای جدید می‌گذارد. این رویدادی اساسی بود و به تغییرات بزرگی منجر شد.

۱. Medi به معنی مرکز؛ terranean مربوط به زمین.



افزایش دادوستد منجر به پیشرفت بازرگانی و بانکداری و در نتیجه منجر به رشد شهرها شد.

این پیشرفت‌های جدید کل مفهوم قرون وسطایی اجتماع به مثابه پیکری واحد را به هم ریخت. در این پیکر، روحانیان سر (اقتدار اخلاقی و عقلانی)، اشراف و نجیب‌زادگان بازوها (اقتدار مدنی) و دهقانان پاها (نیروی کار) را تشکیل می‌دادند. اما دیگر گروه‌های جامعه - بازرگانان و صنعتگران - در کجا قرار می‌گرفتند؟ آن‌ها نجیب‌زاده نبودند ولی برخی از آن‌ها با استفاده بهینه از ثروت تازه‌اندوخته‌شان به سرعت به قدرت اجتماعی و سیاسی دست می‌یافتند. این

شهروندان که در جستجوی جایگاهی برای خود در جامعه بودند، از اولین و راسخ‌ترین پیروان کلیساهای اصلاحات به شمار می‌آیند.

### انسان‌گرایی رنسانس

در این زمان همچنین یک حرکت جدید عقلانی ابتدا در ایتالیا و بعد در سراسر اروپا شکل گرفت. در اوج رنسانس، افراد سرسخت و خلاق در هر رشته مرزهای آنچه را تا کنون شناخته شده و مورد قبول بود گسترش دادند. فرهیختگان با بررسی منابع قدیمی یونانی و لاتین، ایده‌ها و نظریات جدیدی ارائه دادند که قرن‌ها ناشناخته بود. آن‌ها بر اساس ایده‌های پیشین نظریات جدیدی ارائه کردند تا موقعیتشان را در دنیای جدید و در حال گسترش مشخص سازند. گروهی از اندیشمندان که به نام انسان‌گرایان مسیحی شناخته شده بودند، اعتقاد داشتند که مسیحیت از ریشه‌های اصیل خود جدا شده است. آن‌ها به جستجوی متون اصلی انجیل به زبان‌های عبری و یونانی و همچنین دیگر آثار مربوط به اوایل مسیحیت پرداختند به

این امید که بر اساس این منابع اصلی، فعالیت‌های قابل سرزنش کلیسا را مانند فروش مقام‌های کلیسایی، چندشغله بودن اسقف‌ها و مدارا با کشیش‌های رشوه‌خوار و بی‌سواد را اصلاح کنند. همان‌طور که یک مورخ در مورد انسان‌گرایان می‌گوید: «شاخصه آن‌ها بیش از همه در اعتقاد به قدرت عقلانیت انسان در پدید آوردن پیشرفت‌های بنیادی و اخلاقی است.»<sup>(۴)</sup>

یکی از برجسته‌ترین انسان‌گرایان رنسانس، جووانی پیکو دلامیراندولای ایتالیایی، این دیدگاه را بیان کرد که روش یادگیری و درک واقعی خواندن و پرسیدن است، نه این که خود را به یک فلسفه خاص محدود کنیم.

کسانی که خود را به هر یک از مکاتب فلسفه محدود کرده‌اند ... در صورت مواجهه با سؤالات معدودی تعلیمات خود را به خطر می‌اندازند. ولی من تصمیم گرفته‌ام که به گفتار هیچ‌کس سوگند نخورم، اندیشه‌ام را بر اساس افکار تمام معلمان فلسفه بنیان نهم، تمام نوشته‌ها را بررسی کنم، همه مکاتب [فکری] را دریابم ... هیچ‌کس نمی‌تواند راه تعلم خود را به طور صحیح انتخاب کند، مگر آن‌که در ابتدا با تمام تعالیم آشنا شده باشد.<sup>(۵)</sup>

این استقلال جدید فکری با تغییر طرز تلقی به روحانیون هم‌زمان شد. ارتباط تنگاتنگ میان گروه اشراف و حاکمیت کلیسا فساد و رشوه‌خواری به همراه آورده بود، چرا که خانواده‌های اشراف که هزینه‌های اسقف‌ها را می‌پرداختند توقع امتیازهای ویژه‌ای داشتند. در اوایل قرن چهاردهم کاردینالی در مورد بی‌توجهی مقامات بالای کلیسا به پیروانشان چنین گفت: «این روزها هیچ‌یک از آن‌ها [اسقف‌ها]، بجز تعداد خیلی، گله‌شان را به سوی چراگاه هدایت نمی‌کنند. مسئله قابل توجه آن است که همه آن‌ها فقط به فکر چیدن پشم گوسفندان هستند.»<sup>(۶)</sup>

### تعدد پاپ‌ها

حتی پاپ، که بالاترین مقام کلیسا بود، در معرض انتقادها و بحران‌ها بود. پاپ‌های قرون وسطی و رنسانس اغلب با نفوذ اشراف قدرتمند و حاکمان به این منصب می‌رسیدند. مثلاً فیلیپ چهارم در سال ۱۳۰۷ میلادی زمینه انتخاب یک پاپ فرانسوی را فراهم کرد.

شاه بعدها پاپ جدید را قانع کرد که مقرر حکومت خود را از رُم به آوینیون فرانسه منتقل کند. در هفتاد سال بعدی - که به دوره اسارت بابلی معروف شد - پاپ‌ها در آوینیون همچون عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی خانواده حاکم فرانسه زندگی می‌کردند.

بالاخره در سال ۱۳۷۷ میلادی گرگوریوس یازدهم به مقرر پاپ‌ها در رُم بازگشت ولی کمی بعد از آن درگذشت. جانشین او اوربانوس ششم «چنان به تندمزاجی و پافشاری در اصلاحاتی که به سران روحانی خوش نمی‌آمد، مشهور شد» که کاردینال‌ها مجدداً رأی‌گیری کردند و انتخاب او را بی‌اعتبار دانستند.<sup>(۷)</sup> در این زمان، آن‌ها فردی فرانسوی را انتخاب کردند که مجدداً مقرش را در آوینیون قرار داد؛ ولی اوربانوس که ایتالیایی بود به نقش خود در مقام پاپ در رُم ادامه داد. از سال ۱۳۷۸ تا ۱۴۱۷ میلادی دو پاپ خود را حایز اقتدار می‌دانستند؛ هر ناحیه از اروپا بایست در مورد این که کدام یک از این دو پاپ «واقعی» است تصمیم می‌گرفت. این تصمیم بیشتر بر اساس گروه‌بندی‌های سیاسی بود تا اعتقادات مذهبی. هر طرف ادعا می‌کرد که گروه دیگر نه تنها در اشتباه است بلکه بدعت‌گذار (در ضدیت با کلیسای واقعی) نیز هست. هر گروه مدعی بود که کشیش‌های گروه دیگر قادر به اجرای شعایر مذهبی نیستند. این ادعا علاوه بر مسائل دیگر حاوی این معنا بود که هر گروه مراسم تعمید و ازدواج‌های انجام‌شده توسط طرف دیگر را قبول ندارد.

حدود سال ۱۳۹۰ میلادی همه از تعدد پاپ‌ها (که به شقاق کبیر معروف بود) به تنگ آمده بودند. حتی گروهی از کاردینال‌های متعصب به فکر تجدیدنظر در موقعیت خود افتاده بودند. بالاخره گروهی از آن‌ها سایرین را به تشکیل شورای عمومی فراخواندند. این رسم گردهمایی سران کلیسا که به شوراها معروف بود از قدیم وجود داشت و اساس آن این اندیشه بود که شورا «مجموعه خرد جمعی جامعه مسیحیت»<sup>(۸)</sup> است. در سال ۱۴۰۹ شورایی در شهر ایتالیایی پیزا تشکیل شد که هر دو پاپ (هیچ کدام آن‌ها با وجود احضار شدن، حاضر نشده بودند) را معزول کرد و پاپ جدیدی انتخاب کرد. متأسفانه نه پاپ آوینیون و نه پاپ مستقر در رم شورا را به رسمیت نشناختند و در این زمان تعداد پاپ‌ها به سه تن رسید. کلیسا به مدت چند سال دچار سردرگمی بود تا این که در سال ۱۴۱۵ میلادی شورای دیگری در کنستانس، در مرز آلمان و سوئیس تشکیل شد. این شورا نفوذ بیشتری داشت یا

شاید پاپ‌ها و کاردینال‌ها دیگر از جنگ و مرافعه به تنگ آمده بودند. به هر صورت شورا هر سه پاپ را معزول و فرد دیگری را به نام مارتین پنجم (مارتینوس) انتخاب کرد. تا سال ۱۴۱۷ همه این کاندیدای مصالحه‌ای را قبول کرده بودند و تعدد پاپ‌ها به پایان رسیده بود، اگرچه این اقدامات اعتبار کلیسا را به طور عام و اعتبار پاپ‌ها را به طور خاص خدشه‌دار کرده بود. در زمانی که حتی پاپ‌ها رفتارهای کوتاه‌نظرانه‌ای مانند حرص و آز، میل به قدرت و خودخواهی پیشه کرده بودند، چگونه می‌شد از دیگران توقع رفتار مسیح‌وار داشت؟

## پول و آموزش

پاپ‌ها و اسقف‌ها همیشه به پول نیاز داشتند. اداره سازمان چندملیتی بزرگی مانند کلیسا از ابتدا پرهزینه بود و در اواخر قرون وسطی و رنسانس این هزینه‌ها به طور چشمگیری بالا رفت. همچنین در این زمان خیلی از نقاشان، مجسمه‌سازان، معماران و ساختمان‌سازان تاریخ بهترین کارهای خود را می‌آفریدند و کلیسا هزینه خیلی از این شاهکارها را می‌پرداخت. به علاوه در قلمرو پاپ همیشه یک لشکر آماده حضور داشت؛ محافظت از هجوم بیگانگان و دیگر مهاجمان پرهزینه بود.

پاپ‌ها برای فراهم ساختن و محافظت از جلال و شکوه دربارشان به وجوهی که از اسقف‌ها و مردم دریافت می‌کردند، وابسته بودند. آن‌ها برای اسقف‌ها که در هر موقعیتی از شاهان و شاهزادگان محدوده خود پول فراهم می‌کردند، مالیات‌های مختلفی تعیین کرده بودند. از سوی دیگر اسقف‌های متمول برای در اختیار داشتن چند منصب کلیسا به خواست خود هزینه‌های بالایی می‌پرداختند. این سرمایه‌گذاری‌ها سودآور بود چرا که هرچه تعداد مناطق تحت کنترل اسقف‌ها افزایش می‌یافت، درآمد مالیاتی هم بالا می‌رفت.

کلیسا برای به دست آوردن پول از مردم معمولی از روش‌های دیگری استفاده می‌کرد. یک روش، پذیرفتن هدایای مردم برای آموزش بود. این کار به اختلاف‌نظری منجر شد که نهایتاً به شروع اصلاحات انجامید.

آموزش در کلیسا چیز تازه‌ای نبود و اولین بار در طول جنگ‌های صلیبی قرن دوازدهم میلادی پدید آمد تا شوالیه‌ها در راه دشوارشان برای آزادی سرزمین مقدس از سلطه مسلمانان و رویارویی با خطر مرگ تشویق شوند. هر شخصی که در



نماینده پاپ در حال توزیع «آمرزش‌نامه» در یکی از بازارهای آلمان. دربارهٔ فروش «آمرزش» اختلاف‌نظر وجود داشت. بسیاری از مردم این عمل را به مثابهٔ تلاش کلیسای مال‌پرست برای پرکردن خزانه‌اش می‌دانستند و آن را تقبیح می‌کردند.

جنگ‌های صلیبی شرکت می‌کرد، از انجام دادن هرگونه آیین توبه برای بخشش گناهان گذشته معاف می‌شد. این آمرزش یا معافیت رسمی از انجام دادن توبه به‌زودی حتی شامل حال تأمین‌کنندگان هزینه‌های جنگ‌ها هم شد؛ کسانی که متقبل هزینهٔ جنگ شده بودند، از منافع یکسانی با اشخاصی که خودشان به جنگ رفته بودند برخوردار شدند.

آمرزش برای بخشش گناهان یا اجازه به افراد برای دست زدن به گناه نبود، بلکه همیشه با این پیش‌فرض همراه بود که گناهان این افراد از قبل بخشیده شده‌اند و اینان دیگر دست از گناه شسته‌اند و مصمم به زندگی جدیدی هستند.<sup>(۹)</sup> به هر حال چنین روش قابل سوءاستفاده‌ای بالاخره از کنترل خارج شد. بسیاری از مردم آمرزش را هیچ‌گاه هدف کلیسا نمی‌دانستند. آمرزش گناهان از دید بیشتر مردم اجازهٔ ورود آسان به بهشت بود. کلیسا نیز دریافته بود که آمرزش می‌تواند از این راه پول زیادی فراهم آورد.

### پیشگامان اصلاح طلبی

شایسته است از دو اصلاح طلب مهم «پیش از دوره اصلاحات» نام ببریم. اولی فردی انگلیسی است به نام جان ویکلیف (حدود ۱۲۳۰-۱۳۸۴ میلادی)، استاد و سخنران دانشگاه آکسفورد. او تحت تأثیر روحانیانی (کشیش ها و اسقف ها) که در کشورش کار می کردند قرار نگرفته بود و اعتقاد داشت که آن ها فقط به فکر مال اندوزی و زندگی مرفه هستند. او همچنین فکر می کرد که تعدد پاپ ها امری فضااحت بار است و مردم فقط باید «تا زمانی به پاپ ها معتقد باشند که آن ها از مسیح پیروی کنند». او اکثر کشیش ها و اسقف ها را صراحتاً «دزدان، روبهان مکار، گرگ هایی در لباس میش، آدم های شکمبازه، شیطان و انسان نما»<sup>(۱۰)</sup> خطاب می کرد.

ویکلیف اعتقاد داشت که کلیسا نیازمند رهایی کامل از تمام دارایی ها و قدرت خود است. تا این مرحله ویکلیف صرفاً بازگشت به ایدئال های مسیح و حواریونش را ترویج می کرد. ولی او از این هم پیش تر رفت و نظرهایی در مورد شعایر دینی ارائه داد که کاملاً در تقابل با اعتقادات کلیسا بود. مثلاً، او عمل اقرار کردن با صدای بلند در مقابل کشیش را تقبیح کرد و در عوض خواستار اقرار داوطلبانه در مقابل عموم مردم شد. از آن مهم تر او با تعلیمات کلیسا در مورد شعایر دینی جمعی مخالفت کرد. بر اساس تعلیمات کلیسا، کشیش هنگام آیین عشای ربانی نان و شراب را به بدن و خون مسیح تبدیل می کند. ویکلیف معتقد بود که مسیح به نوعی (او نمی دانست به چه صورتی) در نان و شراب حضور دارد، با وجود این، پیدایش تحول جسمانی را در عناصر مربوط به عشای ربانی امکان پذیر نمی دانست.

ویکلیف همچنین باور داشت که نجات مردم به خاطر اعمالشان در طول زندگی نیست، بلکه رستگاری آن ها را از قبل خداوند مقرر کرده است. او می گفت که انجیل باید به زبان عامه مردم ترجمه شود و در دسترس باشد؛ اگر مردم مستقیماً به این راهنمای دین دسترسی داشته باشند، وابستگی کمتری به کلیسا پیدا می کنند. همچنین او معتقد بود که دولت ها نباید مطیع کلیسا باشند. در قرن چهارده میلادی نظره های ویکلیف تأثیر کمی گذاشت، اما اهمیت آن بیش از ۱۵۰ سال بعد در دوران اصلاحات معلوم شد.

از دیگر پیشگامان اصلاح طلبی یان هوس بود که در پراگ، که مدت زیادی مرکز فرهنگ و تجارت اروپای قرون وسطی بود، به موعظه می پرداخت. او برخی از



### بیانات ویکلیف

بعضی از بیانات ویکلیف که در سال ۱۳۸۲ میلادی کلیسا آن را محکوم کرد از کتاب استاد کلیسای میخی نوشته هنری پین سون اقتباس شده است.

۳. مسیح اساماً و واقعاً در آیین مقدس [عشای ربانی] در وجود جسمانی [بدنی] خود حضور ندارد.

۴. در انجیل مقرر نشده که مسیح فرمان آیین عشای ربانی را صادر کرده است...

۷. اگر شخصی به موقع توبه کند، هرگونه اقرار ظاهری زاید و بی خاصیت است...

۱۴. هر خادم کلیسا یا کشیشی می تواند در مورد خداوند به موعظه پردازد بی آن که نیازی به اجازه نماینده پاپ یا اسقف کاتولیک داشته باشد...

۱۷. مردم خود می توانند به

هدایت فرمانروایان گناهکار

پردازند...

۳۵. کلیسای رم کنیسه شیطان

است و پاپ جانشین مسیح و

حواریون نیست.



در سال ۱۳۰۰، اصلاح طلب دینی،

جان ویکلیف انگلیسی، نظرهایی

خلاف کلیسا ابراز کرد. عقاید او بعدها

به هنگام اصلاحات اهمیت بیشتری

یافت.

موعظه‌ها و نامه‌های ویکلیف را خوانده بود و با اکثر اعتقادات این اصلاح طلب انگلیسی موافق بود. هوس، مثل دیگر مخالفان تعدد پاپ‌ها، در مورد اصلاحات در کلیسا به بحث می‌پرداخت و اعتقاد داشت: «تمرکز از یک پاپ خطاکار مثل اطاعت از مسیح است.»<sup>(۱۱)</sup>

در سال ۱۴۱۵ شورای کنستانس (همان شورایی که به تعدد پاپ‌ها پایان داد) کارهای



یان هوس، تحت تأثیر ویکلیف، حامی جدی اصلاحات در کلیسا بود. او به جرم داشتن نظریات ارتدادی سوزانده شد.

ویکلیف و هوس را محکوم کرد. بدون شک این شورا با انتشار اعلامیه‌ای قاطع در صدد جبران آشفتگی حاکم بر کلیسا در دوران چند پاپی بود. ویکلیف در سال ۱۳۸۴ درگذشته بود ولی یان هوس در قید حیات بود. شورا یان هوس را که با حفظ مصونیت دعوت کرده بود، دستگیر کرد، تمام نوشته‌هایش را سوزاند و او را به مقامات مسئول تحویل داد. یان هوس به جرم ارتداد محکوم و زنده‌زنده سوزانده شد.

ویکلیف و هوس مردانی جلوتر از زمان خود بودند. یک قرن پس از آن که هوس سوزانده شد، دیگران آشکارا نظریات مشابهی بیان کردند که تمام اروپا را فرا گرفت.

## مارتین لوتر: «من از عقیده‌ام دست بر نمی‌دارم»

مارتین لوتر که قبل از پاییز ۱۵۱۷، خارج از محیط دانشگاهش در ویتنبرگ، شهر کوچکی در منطقه دورافتاده ساکسونی، شناخته شده نبود، در عرض چند ماه در تمام آلمان شناخته شد و در مدت تقریباً سه سال نامش با جنبشی دینی و اجتماعی پیوند خورد که تاریخ جهان را دگرگون ساخت.



مارتین لوتر در دهم نوامبر ۱۴۸۳ میلادی - که بعدها روز سن مارتین نام‌گذاری شد - به دنیا آمد. پدر و مادرش توانایی فرستادن او به مدارس خوب را داشتند و او در دانشگاه ارفورت به تحصیل پرداخت. لوتر برای خشنودی پدرش به تحصیل حقوق پرداخت ولی در سال ۱۵۰۵ ترک تحصیل کرد تا به هیئت راهب آگوستینوسی درآید. او زندگی در این فرقه صدقه‌بگیر را خیلی جدی گرفت و در آنجا سخت کار کرد. چنان‌که یک بار گفت:

نسای مارتین لوتر برای اصلاح کلیسا منجر به اختلاف‌نظری شد که به اصلاحات انجامید.

من یک راهب پرهیزکار بودم و چنان به دقت از قوانین فرقه‌ام اطاعت می‌کردم که ... اگر قرار بود یک راهب به بهشت راه یابد آن شخص من بودم ... اگر این جریان بیشتر طول می‌کشید من خود را با مشاهده، دعا، مطالعه و کارهای دیگر تا حد مرگ شکنجه کرده بودم.<sup>(۱۲)</sup>

لوتر به سرعت پیشرفت کرد، به مقام کشیشی رسید و خیلی زود به سمت استادی الهیات در دانشگاه ویتمبرگ برگزیده شد. به گفته یکی از شاگردانش: «استاد لوتر سخنران خوبی بود و کلماتش به خوبی درک می‌شد. او نه تند سخن می‌گفت و نه کند، بلکه با سرعتی یکنواخت و با قاطعیت و بسیار روشن و با چنان ترتیب مناسبی مطالبش را ادا می‌کرد که هر قسمت به طور طبیعی در ادامه بحث قبلی جریان می‌یافت.»<sup>(۱۳)</sup>

### رستگاری با ایمان

لوتر مانند بسیاری از مردم زمان خود نگران رستگار شدنش بود. اما شاید بیش از اغلب مردم احساس بی‌ارزش بودن و طردشدگی می‌کرد. احساس می‌کرد هر کاری هم که انجام دهد بخشوده نخواهد شد. حتی راهب شدن هم به او کمکی نکرد:

وقتی راهب بودم، هرگاه وجود نفس اماره جسمانی به مثابه یک حرکت شیطنانی که در برابر یکی از برادران دینی [راهبان دیگر] به شکل کینه، خشم، نفرت یا حسادت و غیره جلوه می‌کرد، به این نتیجه می‌رسیدم که دیگر رستگاری ممکن نیست. روش‌های رهایی مختلفی را امتحان می‌کردم؛ هر روز برای اعتراف می‌رفتم ولی هیچ کمکی نکرد. چرا که ... من هیچ‌گاه به آرامش نرسیدم بلکه دائماً عذاب می‌کشیدم.<sup>(۱۴)</sup>

لوتر به سبب این احساس بی‌ارزشی به دنبال روش‌هایی برای اطمینان پیدا کردن از رستگاری گشت، ولی هیچ‌گاه از روش‌های کلیسا راضی نبود. همان‌طور که یکی از مورخان گفته است: «کلیسای کاتولیک در قضاوت خود در مورد عظمت و قداست خداوند کوتاه‌نظر و در مورد ارزش و توانایی‌های انسان بلندنظر است.»<sup>(۱۵)</sup> لوتر معتقد بود که خدا بالاتر و مقدس‌تر از آن است که در دسترس انسان‌های گناهکار و کوتاه‌نظری مانند خود او، صرف‌نظر از کارهای خوبی که انجام داده‌اند، باشد.

لوتر بالاخره هدایتی را که به دنبالش بود در کتاب مقدس یافت. در یکی از کتاب‌های عهد جدید، «رساله به رومیان»، خواند: «فقط کسی نجات پیدا می‌کند که به خدا ایمان داشته باشد.»<sup>(۱۶)</sup> از نظر لوتر این به معنای آن بود که هیچ کار خوبی نمی‌تواند انسان را به رستگاری برساند و فقط ایمان قادر به این کار است. خداوند عشق و رحمت خود (فیض الهی) را به



پاپ لئوی دهم برای تأمین هزینه تعمیر کلیسای سن پیترو مجوز فروش آموزش‌نامه را صادر کرد. این واقعه در جدایی لوتر از کلیسای کاتولیک نقش اساسی داشت.

رایگان در اختیار مردم می‌گذارد. برای لوتر رسیدن به این باور که فیض الهی کسب‌کردنی نیست آرامش‌بخش بود، او دیگر نگران توبه کردن برای گناهانش نبود. فقط به ایمان نیاز داشت. این مفهوم رستگاری از عبارت «رستگاری با ایمان» آشکار می‌شود.

لوتر با ادامه مطالعات و تفکراتش به عقایدی رسید که بعدها برایش مشکلات زیادی در مقابل کلیسای کاتولیک به بار آورد. در آن زمان او خود را کاتولیک خوبی می‌دانست - و واقعاً هم این‌گونه بود. او اولین قدم‌ها را در مجادله با کلیسا و جدایی از آن در نوامبر ۱۵۱۷ برداشت، زمانی که پاپ لئوی دهم

توزیع آموزش‌نامه را در سرزمین ماینتس، در جوار زادگاه لوتر، تصویب کرد.

### آموزش‌نامه پاپ لئو

پاپ لئو برای تجدیدنمای کلیسای جامع سن پیترو / سن پطرس در رُم به پول نیاز داشت. آلبرت براندنبورگی، یک نجیب‌زاده جوان آلمانی که مقام سراسقفی چند ناحیه را داشت، در پرداخت مالیات به پاپ بسیار تأخیر کرده بود. بنابراین پاپ پیشنهاد معامله‌ای کرد: او مجوز فروش آموزش‌نامه در ماینتس را به مدت هشت سال به آلبرت می‌داد و آلبرت در عوض نصف پول جمع‌آوری‌شده را برای او می‌فرستاد. آلبرت فوراً قبول کرد.



یوهان تسلسل سخنرانی پرجذبیه برای تبلیغ آمرزش‌نامه بود. مردم از همه سو برای پرداخت پول در عوض آمرزش‌نامه مراجعه می‌کردند.

یک روش مرسوم برای ارائه آمرزش «موعظه» بود. این به آن معنا بود که یک سخنران محبوب و سخنور در کشور سفر می‌کرد و جلسات عمومی تشکیل می‌داد؛ درست مانند گروه‌هایی‌های مذهبی یا جلسات تبلیغی که در کلیساهای منطقه‌ای تشکیل می‌شدند. این برنامه‌ها از قبل اعلام می‌شد و مردم از تمام نقاط می‌آمدند تا به سخنان واعظ گوش بدهند و پول خود را با آمرزش‌نامه مبادله کنند. آلبرت یکی از معروف‌ترین و محبوب‌ترین واعظ محلی را به نام یوهان تسلسل به این کارگماشت تا سخنرانی سال ۱۵۱۷ برای فروش آمرزش‌نامه را ایراد کند. تسلسل که از سلک راهبان دومینیک بود واعظی با استعداد شناخته می‌شد.

به گفته یکی از راهبان فرانسیسی که شاهد بعضی از تبلیغات تسلسل بود:

مراسم آمرزش خیلی مورد احترام بود، هنگام استقبال از نماینده [واعظ] حکم رسمی پاپ [نامه‌ای از پاپ که در آن مجوز آمرزش صادر شده بود] روی پارچه مخمل یا زربفت حمل